گناه

راه کارهای دوری از

سلسله مباحث

● اعتیاد مدرن و خطرناک

عزیز الله حیدری

اعتیادهای مدرن و خطرناک

مشخصات کتاب

سرشناسه : حیدری عزیزالله 1337 - عنوان و نام پدیدآور : سلسله مباحث راهکارهای دوری از گناه: اعتیادهای مدرن و خطرناک/عزیزالله حیدری. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران 1387. مشخصات ظاهری : 32ص. 11 × 16س م. شابک : 2500 ریال 978-964-973-152-0 وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. شماره کتابشناسی ملی : 1588239

مقدمه

این سخن را حضرت علی علیه السلام نقل کرده اند:

«عادت دشمنی است که مالک تو می شود»(1) تو اسیر می شوی و او امیر.

مقاله ای که پیش رو دارید نوشته های استاد مصطفی زمانی است که از سر دلسوزی در سال های پیش از انقلاب نوشته است. اما سوگمندانه اکنون دوباره موضوعیت یافته است و ما شاهد اعتیادهای جدید و مدرن هستیم.

بشر مفلوک کنونی فقط معتاد به هروئین و تریاک و امثال آن نیست، اعتیادهای جدید مثل اعتیاد اینترنتی و قرص های اکستازی از راه رسیده است و تارهای عنکبوتی آن، می رود تا همه ی عرصه های زندگی آدمی را در بند کشد.

این مقاله آگاهی های مفیدی در اختیار خواننده قرار می دهد و او را هوشیارتر می کند.

راه نجات چیست؟

گذشته از روش های معمول مبارزه اجتماعی مثل:

بستن مرزها به روی قاچاقچیان؛

مجازات سوداگران مرگ؛

آموزش خانوادگی؛

تربیت انسانی از همه مهم تر است.

عشقِ بزرگ تر، دارویی مؤثر و نجات بخش است. این عشقِ بزرگ تر می تواند عشق به خدا، به دوستان، و به شخصیت انسانی و زندگی و سلامت و حتی صیانت فرزند خویش باشد.

به چند نمونه اشاره می کنیم:

می گویند از هنرمند متعهدی که به فیض شهادت رسید، پرسیدند: شما زمانی سیگار می کشیدید؛ چطور ترک نمودید؟!

او گفت: یک روز با خود اندیشیدم که وقتی مولای من آقا امام زمان علیه السلام شاهد همه ی کارهای من است، من چگونه می توانم در حضور او این قدر جسور و بی ادب باشم و سیگار بکشم؟!

لذا آن را کنار گذاشتم.

در یک برنامه رادیویی از فردی پرسیدند: شما چه طور سیگار را ترک کردید؟

پاسخ داد: روزی خواستم سیگارم را روشن کنم، اما همین که آتش را به سیگار نزدیک کردم، فرزند کوچکم که حدود دو سال دارد و تازه زبان باز کرده گفت: بابا!

من کی سیگار روشن کنم !

من به حیاط رفتم و سیگار را در باغچه مدفون کردم و بازگشتم و گفتم: هیچ گاه پسرم !

یک فرد معتاد به تریاک، به نگارنده گفت: من از تحقیری که نسبت به معتاد می شود، عبرت آموختم و نجات یافتم. چون روزی در صف سیگار ایستاده بودم و ناگهان جای جوانی را که چند لحظه ای غایب شده بود، گرفتم و او بازگشت و گفت: برو عقب.

گفتم: جای خودم است.

او عصبانی شد و با لحنی تحقیرآمیز مرا هُل داد و گفت: برو عقب تریاکی !

این سخن آن قدر مرا ناراحت کرد که تصمیم به ترک گرفتم و اکنون بیست سال است که آزاد شده ام.

معتاد دیگری قصّه نجات خود را چنین شرح داده است:

او می گوید: خانواده ام چندین بار مرا ترک دادند؛ اما من دوباره به عادتم بازگشتم. سرانجام آنان مرا طرد کردند و من با اتومبیل کهنه ام در خیابان پرسه می زدم که ناگهان بنزین تمام شد. پیاده شدم و ظرفی در دستم گرفتم و جلوی اتومبیل ها به نشانه ی نیاز به بنزین تکان می دادم. برخی اتومبیل ها سرعت را کم می کردند، اما همین که نزدیک من می رسیدند و قیافه ام را می دیدند؛ پا را روی گاز گذاشته می رفتند.

خسته و ناامید روی جدول خیابان نشستم؛ سرم را پایین انداخته بودم، به صورتی عادی سرم را بالا آوردم و ناگهان چشمم به دیوار روبرو در آن طرف خیابان افتاد که نوشته بود:

«گرفتار عادت ها و هواها،اسیری است که هرگز آزاد نمی شود.»(2)

این جمله چنان شور و انقلابی در من افکند که تمامی وجودم سرشار تصمیم و اراده شد و به خانه بازگشتم و گفتم: من دیگر معتاد نیستم.

اکنون 14سال از آن روز می گذرد

که پاک پاک و آزاد زندگی می کنم.

آری !

انگیزه ای قدرتمند لازم است و انسان در درون خود چنین انرژی متراکمی را دارد؛ چنان که درباره پادشاهی که معتاد بود نوشته اند:

او اعلان داد که هر کس من را از اعتیاد نجات دهد، جایزه ای بزرگ در انتظار اوست و اگر نجات ندهد و ادعای بیهوده نماید، مجازات سختی دارد.

برخی به طمع جوایز آمدند و راه هایی را نشان دادند، ولی حاصل نبخشید و او آنان را تنبیه نمود، تا آن که پیرمردی دنیا دیده به نزد پادشاه آمد و گفت: من شاه را نجات می دهم؛ اما باید داروی آن را خود شاه تهیه کند.

شاه او را نزد خود خواند و گفت: قبول می کنم، خودم به دنبال دارو خواهم رفت، اما بگو آن دارو چیست؟ !

پیرمرد گفت: در گوش خود شاه خواهم گفت.

شاه گفت: نزدیک بیا و بگو !

پیرمرد سر در گوش شاه نهاد و گفت: دارو این است؛ یک جو غیرت !

شاه تکان خورد و اعتیاد خویش را ترک نمود.

این احساس غیرت می تواند در شکل های دیگر ثمر بدهد، چنان که یکی از دوستان نگارنده که به سیگار اعتیاد داشت، انگیزه ترک خود را چنین توضیح داد:

در یک زمستان سرد که ساعت از نیمه شب گذشته بود از خواب بیدار شدم و هوس سیگار نمودم؛ می دانستم کناره جاده ای که اتوبوس های مسافربری توقفی کوتاه می کنند؛ سیگار فروش ها شب کاری می کنند.

از خانه بیرون زدم در حالی که پایم توی برف فرو می رفت، روی پلی رسیدم که به جاده متصل می شد، ناگهان با خود اندیشیدم که اگر الآن بمیرم و جانم گرفته شود، چه پاسخی خواهم داد؟ !

آیا این حرکت قربه الی اللّه یا قربه الی الدود؟ !

از راه بازگشتم و

سیگار را ترک نمودم.

هنگامی که انسان نگاه متعالی به زندگی نداشته و هدف و مقصد او هماهنگ با استعدادهای شگرف آدم نباشد، در نتیجه به سرگرمی و خوشی ها و به طور کلی به تنوع روی می آورد و این انتخاب اوضاعی سراسر تغییر و تنوع را ایجاد می کند که پیوسته در کار کشف سرگرمی جدید خواهد بود و برای درک لذت هر چه بیشتر به هرکاری دست می زند و افراد سودجو که هرگز مقصدی جز استفاده های کلان ندارند، همه توان خود را به کار می گیرند تا این نیاز کاذب را اشباع کنند.

در این راستا می بینیم همان طوری که آدم ها در لباس و ماشین به دنبال مُد و مُدل می افتند؛ مواد جدید و روش جدید اعتیاد هم پیش می آید.

البته این تنوّع طلبی در کارهای خلاف، آثار و صدمات جدید هم به دنبال می آورد که در موارد قبلی نبوده است، چنان که در حدیث می خوانیم:

هرگاه مردم به گناهان جدید مبتلا شوند؛ به بلای جدید گرفتار می گردند که دوا نخواهد داشت.(3)

دو مورد مشهور ومحرّک در دنیای معاصر قرص های شادی آور و یا روان گردان و اعتیاد اینترنتی است.

در مقاله جالبی شناسایی نسبتاً کاملی درباره این قرص ها آمده است.

هیولایی به نام اکستازی

در پی افزایش قیمت مواد مخدر، اسیران اعتیاد، به ماده شیمیایی جدید و خطرناکی روی آورده اند که به نام قرص های شادی آور یا هیجان آور یا روانگردان نامیده می شود.

این قرص ها دایره یا بیضی شکل هستند و تقریباً به اندازه یک لوبیا حجم دارند.

اسم اصلی این قرص خطرناک اکستازی می باشد، قرصی که 50% مصرف کنندگان را با مرگ روبرو می سازد.

1. افرادی که این قرص ها را مصرف می کنند؛ دچار توهم می شوند و دست به کارهای عجیب و غریب

می زنند، آنها احساس می کنند بسیار شاد هستند و بی اختیار خودشان را به در و دیوار می کوبند و یا این که خود را از بلندی به پایین پرتاب می کنند.

2. این قرص به طور مستقیم، روی مخچه تأثیر می گذارد و بعد از مدتی مخچه را از کار می اندازد؛ گرچه این قرص ها اعتیادآور نیستند، اما مصرف کننده ها دچار سکته های وسیع قلبی، تنگی نفس و افسردگی شدید می شوند.

3. مصرف کننده این قرص ها احساس درد نمی کند و به همین دلیل وقتی کارهای غیرعاقلانه انجام می دهد، متوجه درد نمی شود.

4. اکستازی تا پنج ساعت اثر خود را کاملاً حفظ می کند و بعد از آن کم کم اثرش کاهش می یابد؛ اما اثر آن تقریباً تا 18 ساعت در بدن باقی می ماند، بعد از این که اثر آن کاملاً از بین رفت، فرد به شدت احساس افسردگی می کند.

5. این قرص های از صد تا ده هزار تومانی، ممکن است به صورت پودر طعم دار، شیاف، آدامس یا کپسول چند رنگ باشد.

6. خطر این قرص به حدی است که تولید و استفاده از آن در اروپا ممنوع شده است و پلیس برای توزیع کنندگان آن جرایم سنگین در نظر گرفته است.

7. متأسفانه همزمان باظهور این قرص ها در اروپا تولیدکنندگان کثیف و جنایتکاران، بازارهای خود را در سایر قاره ها، به خصوص آسیا پیدا کردند. علت اصلی مبارزه اروپا با این قرص، بالا بودن درصد ناخالصی این قرص ها (که ترکیبی از اکسیژن و متیل است) می باشد، تا حدی که منجر به مرگ افراد می شود.

8. از جمله عوارض دیگر این قرص ها آسیب روانی شدید، تشنج، خونریزی داخلی، اغماء، خستگی مفرط، اختلال در حافظه و یادگیری، بالا رفتن درصد تشنگی، کور شدن

اشتها و انرژی زایی مفرط تا حدی که فرد را از تعادل خارج می کند.

عوارض دیگر

1. از کار انداختن ترموستات بدن که در نتیجه آن فرد دچار سرمازدگی شدید حتی مرگ مغزی می شود.

2. اِدِم مغزی؛ در اثر گرمای زیادی که با خوردن قرص در بدن فرد ایجاد می شود، آب زیادی می نوشد که ممکن است به اِدِم مغزی دچار شود.

3. اختلال در رسانه های عصبی مغز و ایجاد توهم.

4. آسیب مغزی؛ زیرا جریان خون دچار اختلال شده و ممکن است، سبب سکته در فرد شود.

5. آسیب های کبدی و کلیوی؛ این قرص ها گاهی در بدن ایجاد حساسیت نموده و موجب آسیب به کلیه و کبد می شود و گاهی کار به دیالیز هم می کشد.

6. گاهی عده ای این قرص ها را همراه با الکل و حشیش مصرف می کنند که سبب خطرات زیادی بوده و به چشم آسیب جدی وارد می کند.(4)

اینترنت و اعتیاد

اشاره

خط سیر تمدن غربی که براساس سود و تجارت آزاد و سلطه بر همه شؤون زندگی انسان طرح ریزی شده است، اکنون با محصولات خود در همه حوزه های زندگی انسان وارد شده و سیطره آن، چنان گسترده شده که در همه حریم های خصوصی افراد نیز وارد می شود.

اینترنت، فرزند کامپیوتر نیز چنین است و با همه ظاهر زیبا و درخشنده، همچون مار خوش خط و خالی سم خویش را به همه ی سلول های بدن جامعه می ریزد و همه محو یک ویژگی به ظاهر مفید آن - اطلاع رسانی گسترده - شده ایم. اما در یک نگاه دقیق تر و به اعترافات کارشناسان و منتقدین غربی می توان ضایعات رایانه و اینترنت را چنین فهرست نمود:

1. اعتیاد شدید

ولادیمیر پوتین رهبر روسیه به زیاده روی دخترش در چت کردن و وبگردی ها اعتراف کرد و گفت او خیلی از وقتش را چنین تلف می نماید.

در جراید نوشتند که یک خانواده چنان معتاد شده اند که فرصت کار و خواب را از آنان گرفته است، اعتیاد اینترنتی در بیشتر موارد مربوط به سایت های سکس می باشد.

قاضی دادگاهی در لهستان یک مادر و سه فرزندش را به علت اعتیاد شدید به اینترنت به بستری شدن در بیمارستان محکوم کرد، این مادر و فرزندان در اثر اعتیاد شدید به اینترنت توانایی تمیز بین واقعیت و خیال را از دست داده اند.(5)

2. تنبل ساز

چنان که دیده می شود،بسیاری از دانشجویان برای تهیه تحقیق،یکسره به سراغ اینترنت و سایتی مشخص می روند و کپی برداری می کنند.

3. قطع رابطه انسان با کتاب

4. ترویج شدید سکس و خشونت

5. تحیّر زا

زیرا با بمباران اطلاعات ضد و نقیض، انسان را دچار سرگردانی می کند.

6. آموزش و گسترش دروغ و فریب

چنان که، زنی دوازده میلیون سرمایه خود را به شوهر دروغین اینترنتی باخت، در اینترنت کاربرهای مرد، خود را زن یا زنان، خود را مرد معرفی می کنند.

7. ابزار سلطه سرمایه داری و مصرف زدگی هرچه تمام تر

آقای «مارک لاسر» یکی از رهایی یافتگان از چنگال اعتیاد به سکس، معتقد است: اینترنت به واسطه داشتن سه ویژگی مهم، مهم ترین منبع اشاعه هر بزهکاری است:

الف) قابلیت آسان دسترسی کاربران به آن؛

ب) استطاعت داشتن همگان در پرداخت بهای آن؛

ج) ناشناس ماندن مصرف کنندگان.

در سال 1998 دکتر «الکوپر» از طریق مطالعه صدها کاربر متصل به طور همزمان پی برد 15% از آنان به یکی از پنج سایت اینترنتی در زمینه سکس متصل بودند.

همین مطالعه در سال 1999 به 31% رسید.

تازه ترین مطالعه در این زمینه که زیر نظر مؤسسه بازپروری معتادان به سکس لوس آنجلس صورت گرفته، حاکی از آن است که هر هفته 25 میلیون آمریکایی به سایت های اینترنتی سکس متصل می شوند.

اصولاً 60% از بازدید کنندگان هر گونه سایت اینترنتی به دنبال مطالب مربوط به سکس هستند تا سال 2001، 95 میلیون آمریکایی به اینترنت دسترسی داشته اند.(6)

آقای «کالیفورد استول» می گوید: کامپیوتر به صورت نسنجیده و بدون بررسی وارد شبکه آموزش ما شده است، داشتن یک اتاق پر از رایانه و تغذیه با خطوط بسیار اینترنت چیزی بیشتر از یک مدرسه بی روح را ثابت نخواهد کرد.

استفاده از این نوع وسائل(نوار ویدئوئی، تلویزیون، کامپیوترها):

بی رغبتی در خواندن؛

فرو نشاندن حسّ مطالعه و تحقیق به خاطر پاسخ سریع؛

تضعیف در کسب مهارت های اجتماعی؛

تبدیل کردن حسّ یادگیری به یک مسأله ساده تفریحی؛

بی ارزش نمودن آموزش را به دنبال داشته و محصول آن آموزش بدون تلاش می باشد.

پس کامپیوتر در مدارس مشکلی را حل نکرده، بلکه به جای تشویق

به خواندن و نوشتن، با ارائه یک کپی از دروس، آموزش در مدرسه را بی اهمیت جلوه می دهد.

از دیگر آثار مخرّب کامپیوتر؛ برای این نسلِ «دات کام» این است که به دسترسی ACCESS دچار است، عمده ی وقت خود را در اتاق های کامپیوتر و گفتگوهای مخابراتی به هدر می دهند.

روانشناسان به آن، عنوان شخصیت چند بُعدی می دهند، نقابی که دربرگیرنده ی پاره پاره های هوشیاری کوتاهی مدتی است.

.1

جسدش در گوشه ای از غسالخانه افتاده است و غسال ها سعی می کنند تا حد امکان از آن دوری کنند.

می گویند: ما این جسد را غسل نمی دهیم، پوستش ضعیف است، نمی توانیم جا به جایش کنیم. بدنش متلاشی می شود. تنها باری که برای درمان به یک مرکز ترک اعتیاد در شمال شهر رفته بود، در فرم ثبت نام نوشت: اصلاً فکر نمی کردم این قرص ها چنین سرانجامی داشته باشند. به من گفتند مخدر نیست. اعتیادآور نیست، نشاط آور است، خستگی بر است، آرامش بخش است.

حالا جسد مچاله شده او که نتوانست در مقابل کراک مقاومت کند، در گوشه ای از غسالخانه افتاده است.

.2

تعداد قابل توجهی از جوانان با آرزوی یک «پرواز شادمانه» به سراغ قرص ها و موادی می روند که طی چند سال اخیر به جمع های جوانان وارد شده است و هر روز هم در شکل و شمایلی جدید ظاهر می شوند.

طبق آخرین اخبار، شانزده هزار سایت اینترنتی برای تبلیغ این قرص ها و موادی که نزد آسیب شناسان اجتماعی و دستگاه قضایی به عنوان «مواد مخدر صنعتی» شناخته می شوند، راه اندازی شده است. همه این سایت ها با استفاده از جذابیت های گرافیکی و برنامه نویسی های اینترنتی، این گونه تبلیغ می کنند که مصرف این مواد خطری ندارد و باعث آرامش و افزایش ادراکات مصرف کننده می شود، اما واقعیت امر کاملاً خلاف آن است و نشان می دهد که حتی با یک بار تجربه، مغز و دستگاه عصبی مصرف کننده دچار آسیب های بسیار جدی خواهد شد.

.3

مطالعات از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از شیوه سنتی به مواد جدیدی همچون قرص های اکستازی و شیشه و کراک خبر می دهند. این تغییر الگو در سطح جهانی پدید آمده است و محدود به ایران نیست. البته هنوز مصرف مواد مخدر جدید(صنعتی) در بین معتادان شهرهای کوچک ایران

عمومیت پیدا نکرده است و مشتریان این قبیل محصولات مرگ آور جدید بیشتر در شهرهای بزرگ هستند. ناگفته نماند که همین میزان مصرف نیز تاکنون دامن بسیاری از جوانان را گرفته است. بنا به اظهار نظر یکی از مسؤولان دفتر پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی، 60% مصرف کنندگان مواد مخدر صنعتی زیر نوزده سال سن دارند.

علیرغم این که مصرف مخدرهای جدید تا حدود زیادی در شهرهای بزرگ متمرکز شده است اما میزان مصرف در همین شهرها تا حد غیرقابل باوری در حال

افزایش است. به گونه ای که تنها قاچاق قرص های اکستازی طی سال های 90 تا 98 میلادی چهار برابر شده است. همچنین بر اساس برآورد به عمل آمده پنجاه درصد معتادان، به کراک اعتیاد دارند.

جالب این جاست که مسیر ترانزیت مواد مخدر صنعتی برعکس مسیر ترانزیت مواد مخدر سنتی، از غرب به شرق است.

.4

تمام محققان معتقدند بسترهای متفاوت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، همواره شرایطی را بر هر نسل تحمیل می کند که آستانه مقاومت آن نسل را در مقابل بحران ها و فشارهای روزمره آن جامعه تعیین می کند. متأسفانه به نظر می رسد مسایل اقتصادی و اجتماعی جامعه امروز ایران، آستانه تحمل نسل جوان را تا حد زیادی پایین آورده است و این نسل برای رهایی از فشار تنگاتنگ و شدید اجتماعی و اقتصادی، به سراغ مخدرهایی می روند که فشار را برای لحظات کوتاهی با لذت عوض کنند، لذتی که خیلی زود جای خود را با فشار مضاعف عوض می کند.

همچنین «کنجکاوی زیاد جوانان» و نیز «ادعای همگرایی با روند تحولات اجتماعی» و «هویت یابی» و «فرار از مشکلات و مسؤولیت ها» از سایر عوامل روی آوردن جوانان به مواد مخدر به خصوص مخدرهای جدید است.

.5

کراک در سال 1985 از ترکیب کوکائین با سدیم هیدروکلراید و چند ماده آزمایشگاهی غیرمجاز تولید شد و رفته رفته وارد چرخه قاچاق گردید. این ماده، بسیار گران قیمت است و هر کسی قدرت خرید کراک را ندارد. این ماده به وسیله پیپ های شیشه ای تدخین، و دود آن استنشاق می شود و در عرض چند دقیقه به مغز حمله کرده و نشئگی ایجاد می کند و تأثیرات ناپایداری از خود بُروز می دهد.

به خاطر گران قیمت بودن این ماده، استفاده از آن در کشورهای شرقی محدود است. آنچه هم اکنون تحت عنوان کراک در بازار و میادین ایران به فروش می رسد کراک واقعی نیست. این ماده نوعی هروئین فشرده شده است با خلوص حدود شصت تا نود درصد.

.6

از چند سال قبل هروئین در میان مردم به عنوان ماده مخدر خطرناک و خانمانسوز جا افتاد. از آن زمان به بعد میل به مصرف هروئین در افراد کم شد. در این شرایط قاچاقچیان مواد مخدر که با کاهش شدید سود مواجه شده بودند، با استفاده از ناآگاهی مصرف کنندگان ترکیب جدیدی از هروئین را به اسم کراک روانه بازار کردند. محققان با آزمایش بر روی حدود سی نمونه از کراک های مصرفی با قیمت هر گرم بیست تا پنجاه هزار تومان، متوجه شدند این مواد کراک واقعی نیست، بلکه هروئین است. در حالی که کراک واقعی، قیمتی چندین برابر این رقم را دارد و نام صحیحش هم کرک می باشد.

قیمت هر گرم کرک حدود 120 تا 150 هزار تومان و قیمت هر کیلو از آن حدود 150 میلیون تومان است.

.7

شخصی که کرک مصرف می کند به سرعت در حالات و شرایط مختلف روانی در حرکت می باشد که با خوشی و رضایت فراوان و احساس برانگیختگی و هیجان همراه است، سپس با کم شدن اثر این ماده، دلتنگی و افسردگی و متعاقب آن زود رنجی، بی خوابی و پاژانویا بر شخص غلبه می کند. کسانی که مصرف کرک بسیار زیادی دارند در اثر ابتلا به پارانویا و افسردگی ناشی از مصرف دائم کراک، دست به خودکشی یا جنایت می زنند.

ابتدایی ترین تأثیرات جسمانی کرک، گلو درد مزمن، گرفتگی صدا و تنگی نفس است که به برونشیت (ورم نایژه) و نفخ ریه منجر می شود. چشم ها درشت شده و شخص هنگام تمرکز برای دیدن هر چیز، هاله هایی نورانی در اطراف آن مشاهده می کند. ضربان قلب تا حد 50% افزایش می یابد و رگ ها به سرعت

منقبض شده موجب بالا رفتن فشار خون می شوند که می تواند به حمله ی قلبی، تشنج و سکته منجر شود. کرک به دلیل از بین بردن میل به غذا خوردن و ایجاد بی خوابی، موجب کاهش وزن شدید و سوء تغذیه می شود. اثرات تخریبی مصرف موادی همچون شیشه، کریستال و کرک بین 110 تا 140 برابر تریاک و هروئین بر روی مغز و اعصاب می باشد.

مصرف مداوم این ماده مخدر در کوتاه مدت (یکسال) اثرات مخرب جبران ناپذیری در بدن فرد مصرف کننده اعم از عفونت اجزای داخلی بدن، پوسیدگی دندان ها، سرطان حنجره و ریه، نابودی ریه و کبد ایجاد می کند به طور کلی تمام اجزایی که در تماس مستقیم با کرک هستند، ذره ذره نابود شده و می پوسند و در برخی موارد طبق گزارش های موجود، در افراد معتاد به کرک، میزان عفونت بدن به قدری است که اجزای بدن از هم جدا می شوند و گوشت زیر پوست دچار عفونت شده و به اصطلاح کرم می گذارد.

مصرف چهار روز کرک باعث می شود که اثرات آن به مدت هفت سال در فرد باقی بماند و موجب اختلالات حرکتی،افزایش هذیان گویی و تضعیف حس بینایی و لامسه می شود.

کرک با هفتاد درصد تخریب و اعتیاد جسمی، سومین ماده مخدر پرمصرف و دومین مخدر مرگ آور در کشور است.

.8

براساس آخرین آمار اعلام شده میانگین سن اعتیاد در حال کاهش است و در حال حاضر بسیاری از دانش آموزان دبیرستانی با مواد مخدر صنعتی مانند: کرک و شیشه آشنا هستند. کرک، این ماده نوظهور به دلیل مصرف تمیز و ساده و مخصوصاً وجه مدرن و «با کلاس»، مورد توجه نسل جوان است. مصرف تریاک با دود و

بو همراه بود، اما کرک ردّی از خود به جا نمی گذارد و به همین دلیل مناسب مصرف پنهانی است. حتی می توان این ماده را در حضور دیگران و بدون این که آنها متوجه شوند مصرف کرد.

در این شرایط که همه مسئولان از گرایش دانش آموزان و دانشجویان به مواد مخدر جدید اظهار نگرانی می کنند، گزارش ها حکایت از این می کند که طرح های پیشگیرانه نهادهای مسئول به دلیل عدم تخصیص بودجه متوقف مانده است.

طبق شنیده ها، از کل بودجه حدود دو هزار میلیارد ریالی برنامه پیش گیری از سیگار و مواد دخانی که مجلس شورای اسلامی مصوب کرده بود، شصت درصد آن به وزارت بهداشت و چهل درصد به تربیت بدنی اختصاص یافته است و سهمی برای آموزش و پرورش و وزارت علوم در نظر گرفته نشده، این در حالی است که جامعه جوان ما در معرض تهدید جدی مواد مخدر جدید قرار دارد و لازم است که نهادهای مسئول، نسبت به آگاه سازی و مقاوم سازی جوانان در مقابل این تهدیدها اقدام کنند.

روزی که مادر و ناپدری ام توانستند به آرزوی قدیمی خود برسند و رستورانی بخرند، در خانه ما روز بزرگی بود. همه ما شاد بودیم و فکر می کردیم این حرفه جدید خانوادگی، آینده مان را تغییر می دهد و بعد از این، می توانیم به تمام آروزهایمان برسیم: تأمین هزینه تحصیل در دانشگاه، برخورداری از رفاه و خیلی چیزهای دیگر. اما در عمل رنج و بدبختی انتظار من و خانواده ام را می کشید.

البته مشکل از رستوران نبود، این ما بودیم که نمی دانستیم در موقعیت جدید چگونه باید رفتار کنیم.

رستوران تقریباً تمام وقت والدینم را می گرفت و آنها هیچ وقت خانه نبودند.

در عوض، مقدار زیادی پول در اختیارم می گذاشتند تا هر کاری را که دوست دارم انجام دهم. من که روزهای پانزده سالگی را می گذراندم به شدت شیفته خوانندگان راک و هنرپیشه های هالیوود شده بودم از تقلید رفتارشان لذت می بردم. آنها بت های رؤیای من بودند و سبک زندگی بی بند و بارشان الگوی من !

عدم نظارت خانوادگی باعث شد، به زودی پایم به مهمانی هایی که در آن مواد مخدر و الکل مصرف می شد باز شود. من آنقدر نسبت به مواد مخدر و تأثیر آن کنجکاو بودم که بدون ترس و تأمل، به راحتی پیشنهاد دوستانم را برای مصرف پذیرفتم. از آن به بعد، پول تو جیبی ام صرف خرید مواد می شد و من هر بار به خودم می گفتم: «این بار دفعه آخر است». دفعه اخری که هرگز پیش نیامد. در عوض، بی آنکه متوجه باشم معتاد شدم و اعتیاد بر وضع درسی و رفتارم اثر گذاشت. وقتی به هفده سالگی رسیدم دختر سرکش، یاغی و معتادی بودم که هیچ کس نمی توانست جلو دارم شود.

فقط دوست داشتم ول بگردم و مواد مصرف کنم تا در بی خبری فرو روم !

با این حال، هیچ وقت حالی را که دنبالش بودم، به دست نمی آوردم. کار به جایی کشید که دیدم انرژی هیچ کاری را ندارم. گاهی تا هفته ها از رختخواب بیرون نمی آمدم و با آنکه به سختی تلاش می کردم تا هوشیار باشم، بدنم یاری نمی کرد. مغزم از کار افتاده بود. از خودم بدم می آمد. از آن همه آرزو و برنامه فقط یک موجود بی مصرف باقی مانده بود یک بار تصمیم گرفتم ترک کنم.

شغلی در یک پمپ بنزین پیدا کردم تا از نظر مالی مستقل

شوم. ولی بعد از یک ماه، دوباره به طرف مواد برگشتم و کارم را از دست دادم.

در این میان با «جان» آشنا شدم، او که توزیع کننده مواد بود به من پیشنهاد ازدواج داد و من بدون رضایت و اطلاع خانواده ام عروسی کردم. از آن به بعد، به راحتی مواد در اختیارم بود و آن قدر در مصرف افراط می کردم که در یک قدمی مرگ قرار داشتم. نه به خودم فکر می کردم و نه به جنینی که در بدنم در حال رشد بود و بیش از هر چیز به زندگی سالم والدینش احتیاج داشت.

در دوران بارداری همراه شوهرم در مکان هایی که او می توانست به راحتی مواد توزیع کند، زندگی می کردیم. در جنگل ها، حتی زیر حفره های خالی تنه درختان.

پسرم را در چنین شرایطی به دنیا آوردم، وقتی حتی سقفی بالای سرمان نداشتیم.

بعد از تولد «ایسایا» دوباره سعی کردم تا به زندگی عادی برگردم، ولی خیلی زود فهمیدم که به همین راحتی نمی شود از شر اعتیاد رها شد. به سختی آپارتمان کوچکی برای خودمان دست و پا کردیم و من نهایت تلاشم را به کار می بردم تا مادر خوبی باشم؛ ولی مگر یک مادر معتاد می تواند فرزندش را تربیت کند؟

خانه ام همیشه به هم ریخته و آشفته بود تمام وسایل روی زمین پخش بودند. ظرف های کثیف، لباس های نشسته، آشغال ها و... همه جا به چشم می خوردند. خانه ما بیشتر، به یک طویله شباهت داشت تا خانه !

اعتیادم به سطح بدی رسیده بود. هرگز نمی خوابیدم و از غذا خوردن بیزار شده بودم وزنم که پیش از اعتیاد، 60 کیلو بود به 30 کیلو رسیده بود. یک بار به دلیل عفونت کلیه

در بیمارستان بستری شدم و خلاصه پسر نازنینم در میان این آشفتگی، فلاکت و نکبت زندگی می کرد و ذرّه ای محبت از من یا پدرش نمی دید. از صمیم قلب دوستش داشتم و بهترین ها را برایش می خواستم ولی با وجود مواد لعنتی نمی توانستم برایش مادری کنم. تمام روز عصبانی بودم، دعوا می کردم، داد می زدم و ناامیدانه به زندگی ادامه می دادم. تراژدی زندگی من وقتی کامل شد که فهمیدم همسرم با یکی از دوستانم رابطه دارد.

آن چنان افسرده شدم که تصمیم به خودکشی گرفتم، ولی هنوز ذرّه ای از عاطفه مادری در وجودم باقی مانده بود و می توانستم درک کنم که این تصمیم آینده ایسایا را از بین خواهد برد. من به خاطر فرزندم می بایست مقاومت می کردم. اگر وضع به همین نحو ادامه می یافت، پسرم را از من می گرفتند. من زنان زیادی را می شناختم که با مصرف مواد مخدر شیمیایی، سر از تیمارستان در آورده بودند و دیر یا زود ممکن بود که من هم به آنها بپیوندم. ولی اصلاً نمی توانستم جدایی از فرزندم را تحمل کنم، همین باور باعث شد که تغییر اساسی در زندگی ام به وجود آورم. بعد از چند بار تلاش، برایم مثل روز روشن شد که همسرم قصد تغییر ندارد و ماندن در کنار او به معنی ادامه اعتیاد و تباهی و مرگ برای من است. به همین دلیل از او جدا شدم. به خانه مادرم برگشتم و خواستم کمکم کند. به مرکز بازپروری مراجعه کردم و با جدّیّت در تمام جلسات درمانی حضور یافتم. گاهی در پنج جلسه درمانی در یک روز شرکت می کردم.

هم چنین با مهارت های اولیه زندگی آشنا شدم، نُه ماه تمام

در مرکز توان بخشی ماندم و تربیت فرزند، پس انداز پول و اقتصاد خانواده را یاد گرفتم. می خواستم خودکفا شوم و دوباره روی پاهای خودم بایستم، از هدفی که:

داشتم لذت می بردم و با این که در آغاز، از انجام هر کاری می ترسیدم ولی خود را موظف به انجام آن کردم و شناس زندگی جدید و سالم را به دست آوردم.

حالا به لطف خدا مجدداً مشغول به تحصیل شده ام و کاری نیمه وقت دارم. مددکار اجتماعی ام را هفته ای یک بار می بینم و با او اهداف جدیدم را بررسی می کنم، خوشبختانه توانسته ام به خیلی از هدف هایم برسم و به تنهایی از پسرم نگهداری کنم.

بالأخره صاحب سرپناهی امن شده ایم و فرزندم برای اولین بار در طول زندگی اش، اتاقی دارد. زمانی که به کارهای خانه و هزینه ها رسیدگی می کنم احساس خوبی دارم چون می بینم زنی مسئول و مادری متعهد هستم.

می خواهم مدرسه را به پایان برسانم و بدون کمک مالی یا معنوی دیگران، پسرم را بزرگ کنم و از او مردی مستقل، سالم و توانا بسازم. می دانم که زن خوشبختی هستم که شانس دومی را به دست آورده ام، امثال من به ندرت به چنین شانسی دست می یابند.

هر زمان به پسرم نگاه می کنم، دلم مملو از غرور می شود. می دانم که به خاطر او دست به هر کاری خواهم زد و همیشه حمایتش خواهم کرد. این چیزی است که در زمان اعتیاد، هرگز نمی توانستم به او هدیه کنم.

دوست دارم برای تمام افرادی که مثل من در گرداب اعتیاد غوطه ور هستند بگویم هر چند در ابتدای مصرف مواد احساس از خود بی خودی و لذت تمام نشدنی به آدم دست می دهد ولی در پایان

راه، فقط پوچی و بدبختی است و این شما هستید که پایان راه زندگی خود را انتخاب می کنید.

همچنین می خواهم به خانواده هایی که فرزند یا همسر معتادی دارند امید بدهم:

مهم این است که به آنها امید رهایی از منجلاب اعتیاد را بدهید و هرگز مأیوس نشوید؛

معجزه ها هر روز و هر لحظه در زندگی ما اتفاق می افتند.

پی نوشت ها

1) غررالحکم، آمدی، حرف 4، شماره 7478.

2) امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

3) میزان الحکمه، سخنان امام رضاعلیه السلام، ج 3، شماره 6641.

4) ایمنی در زندگی، اصغر جدایی، صص 133 - 130.

5) همه جراید آذر ماه 1384.

6) منبع: http: g alemet.GALeop op.com

7) هفته نامه یا لثارات، سال چهاردهم، شماره 448، ص 5 (چهارشنبه 16 آبان 1386).

8) مجله راه زندگی، شماره 348.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109